

تحقیقات مستند و علمی شادروان استاد خلیلی

درباره آرامگاه ناصر خسرو قبادیانی بلخی

استاد فاضل و نویسنده مدقق و توانای افغانستان شادروان استاد خلیل‌الله خلیلی از سخنسرایان و شاعران معروف زبان دری بوده و بدون شک و تردید سهم استاد در احیاء و اعتلای ادبیات گرانمایه دری نهایت والا و بزرگست. استاد با وجود آن که یک شاعر توانا و نیرومند به شمار می‌رفت در مسایل عرفانی و تاریخی نیز تبخّر کاملی داشت. من در این مقاله کوچک نمی‌خواهم در مورد شعر و شاعری استاد صحبت نمایم بلکه می‌خواهم تحقیقات و کاوشهای مستند و علمی‌ای را که استاد در مورد آرامگاه شاعر معروف زبان دری ناصر خسرو قبادیانی بلخی که از مفاخر سرزمین افغانستان به شمار می‌رود انجام داده‌اند، به دوستان گرامی و ارجمند معرفی بدارم.

طوری که به همگان معلوم و روشن است حکیم ابومعین حمیدالدین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی ملقب به حجّت در سال ۳۹۴ هجری در قبادیان از نواحی بلخ متولد شده و در حدود سنه ۴۸۱ هجری در یمگان از اعمال بدخشان وفات یافته است و آرامگاه این شخصیت بزرگ در همین دره یمگان موقعیت دارد، روستایی که آرامگاه حکیم فرزانه در آن واقع است به نام «حضرت سید» یا «حضرت سعید» نامیده می‌شود. یمگان در منتهای دره جرم ولایت بدخشان موقعیت دارد و از بهارک بدخشان نا

جرم تقریباً چهارده میل و از آن جا تا روستای سید تخمیناً ۷۲ میل مسافه دارد. یمگان درهٔ سرسبز و شاداب در میان کوه‌های بلند احاطه شده است. کلمه یمگان را مردم محلی به فتح «ی» و سکون «م» و برخی به «ک» عربی و برخی به «گ» فارسی تلفظ می‌کنند، اما خود ناصر خسرو در اشعار خود یمگان را به سکون «م» آورده است چنانچه گوید:

مرا مکان به خراسان زمین به یمگانست کسی چرا طلبد در سفر خراسان را
یا:

وز مغرب آفتاب چو سر زد مترس بیرون کنی تو نیز به یمگان سر از سرب
در جای دیگری چنین گوید:

دوستی عترت و خانهٔ رسول کرد مرا یمگی و مازندری
یا:

من به یمگان به بیم و خوار به جرم ایمنند آنکه دزد و می‌خوارند
یا در جای دیگری:

اینجاست یمگان ترا دبستان در بلخ مجویش نه در بخارا
یا:

گنجیست خداوند را به یمگان صد بار فزون تر ز گنج دارا
در قسمت پنجرهٔ آرامگاه حکیم ناصر خسرو چنین نوشته شده است:
”هذه الروضة المنورة و تربة المقدسة حضرت شاه ناصر طاب ثراه“.

شادروان استاد خلیلی درست چهل و دو سال قبل از امروز یعنی به سال ۱۳۳۸ خورشیدی به ولایت بدخشان سفری نمود و چند وثیقه و فرامین تاریخی که از متولیان ماضی، آرامگاه حکیم به دست مجاوران کنونی

انتقال یافته بود بدست آورده و هدف استاد این بود تا در مورد آرامگاه حکیم فرزانه ناصر خسرو بلخی که در میان ارباب ذوق مجهول و مورد شک و تردید مانده بود تحقیقات نماید و شک و تردید شکاکان را در مورد آرامگاه وی مرفوع سازد، چنانچه استاد با کاوشها و تحقیقات دقیق علمی خود این شکها را مرفوع ساخت و به قول خود استاد گرامی این اسناد، وثایق و فرامینی که به دست ایشان رسیده ثابت می‌سازد که آرامگاه ناصر خسرو نبادیانی بلخی در یمگان بدخشان است. استاد در زمینه قدیمترین سند یا وثیقه تاریخی را که به دست آورده بود آن را از قرن دهم هجری یعنی ۹۱۳ هجری می‌داند که دوره استیلای تیموریانست و آخرین آن را هم به سال ۱۲۹۰ هجری که عهد سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان پادشاه افغانستان است، مربوط می‌سازد که می‌توان از این وثایق و فرامین به گونه خاصی در شرح زندگی و آرامگاه آن شخصیت محترم و برازنده استفاده شایانی نمود.

وثیقه یا سند اولی که به تاریخ چهارم ربیع الاول سال ۹۱۳ هجری نگاشته شده فرمانی است از ناصر مرزا یکی از حکمرانان تیموری بدخشان که به خط ثلث مرقوم گردیده است که تنها در قسمت تحتانی آن اسم حکمران تیموری بدخشان (سلطان ناصر بهادر) و در قسمت بالای آن اسم عمر شیخ آمده که عمر شیخ پدر ظهیرالدین محمد بابر مؤسس سلطنت مغلبه در هند است.

ناصر میرزا حکمران بدخشان برادر کوچک بابر است که مادرش «غنچه جی انید» از مردم اندیجان از حومه فرغانه بوده و ناصر میرزا در

سال ۹۵۳ هجری هنگامی که همایون از کابل به جنگ میرزا سلیمان عازم بدخشان بود به امر همایون در قره باغ کوهدامن که در ۱۵ مایلی شمال شهر کابل موقعیت دارد کشته شد، که به قول استاد خلیلی "روستای قلعه ناصر خان در کوهدامن شاید موسوم به نام او باشد". ابوالفضل نیز داستان قتل ناصر میرزا را چنین آورده است:

"... چون باولنگ قرا باغ نزول اقبال فرمود رأی جهان آرا (همایون) بر آن قرار گرفت که وجود ناصر میرزا را از شکنجه هستی خلاص بخشیده دولت را در مستقر امن و امان جای دهند که فتیله فتنه و شراره او نزدیک است که دودمانها بسوزد، و این امر به محمد علی تفائی سپرده شد که نامبرده با کمال سادگی گفت که من هرگز گنجشکی را نکشته‌ام، میرزا را چگونه توانم کشت؟ آن حضرت (همایون) از ساده لوحی او درگذشت و این خدمت را به محمد قاسم موجی رجوع فرموده، وی میرزا را در همان شب به قتل رسانید."

به قول استاد خلیلی این وثیقه به خط شکسته نوشته شده و شبیه است به خط درویش «عبدالله سلطان بلخی» که از استادان خط بود، و تا آخر دولت سلطان حسین میرزا بایقرا حکمران تیموری هرات زنده بود. در عقب فرمان مهرهای قضات و ارباب حل و عقد نیز به مشاهده می‌رسد. در قسمتی از متن فرمان اولی که درباره وقف و اخراجات آرامگاه ناصر خسرو است چنین می‌خوانیم:

"... به حکم احسن کما احسن الله الیک" و بمودای منظوق فرموده «ان الله لایضیع اجر المحسنین» عمل نموده و این خیر جاریه به تقدیم

رسانیده شد که تمامی مواضع دهچه از هزارجه^۱ یمگان از توابع ولایت بدخشان من ابتدا توشقان ثیل^۲ وقف کرده شد و مسلم داشته آمد بر مزار پراتوار حضرت سید سلطان الاولیا و برهان الاتقیاء قرة عین الرسول ثمره فواد البتول الموصوف بصفات الملك القادر حضرت امیر سید ناصر روح الله روحه و ادام فی العلمین فتوحه خالصا لله تعالی و طلباً لغفرانه که آنچه واجبی مال و اخراجات دهچه مذکور باشد به مصرف مشایخ عظام و اهالی کرام که مجاور مزار منبرک مذکوراند بازگردانند که به خدمت اهل الله و ابنای سبیل و ارباب استحقاق به وجه معاش خود صرف نمایند.^۳ از فرمان مذکور به طور مشخص معلوم می گردد که آرامگاه شیخ همان یمگان معروف بدخشان است.

وثیقه دوم نیز فرمانی است که در ظهر آن نقش مهر و خاتم سلطان محمود بهادر سلطان ابوسعید گورکان را دارا می باشد و در آن نیز چنین ذکر شده است:

"هو الفنی سلطان محمود غازی: حکام و داروغگان هزارجه یمگان بدانند که در این وقت عنایت نموده حکم فرمودیم که من بعد سی و دو خانه وار درویشان و مشایخ مزار پراتوار حضرت سلطان الاولیا و برهان الاتقیاء سید ناصر خسرو قدس سره از جهت داروغگی و مهمت برغو مشایخ مذکور را از هزارجه سوا و مستثنی شمرند و رعایت جلب

^۱ - هزارجه کلمه ایست که به هزار نفر اطلاق می شود.

^۲ - اسمای سال است به حساب ترکان.

ایشان را واجب دانسته ایشان را به جرم و جنایت منسوب نساژند، و من ابتدای قوی نیل^۱ سال به سال محتاج ندانند.

وثیقه و فرمان سوّم که ابوالمظفر محمد همایون پادشاه غازی آن را توشیح نموده در مورد عفو مالیات و عواید اراضی موقوفه آرامگاه ناصر خسرو است که به خط نستعلیق معمولی نگاشته و به قول استاد خلیلی چندین خطا در رسم الخط آن به چشم می‌خورد و کاتب آن چندان بی‌سواد بوده که از عهده نقل نثر آن به درستی برآمده نتوانسته است. به عقیده استاد این فرمان از همایون پسر ظهیرالدین محمد بابر پادشاه نیست، زیرا همایون در سال ۹۶۴ هجری وفات نمود و تاریخ فرمان این وثیقه سال ۱۰۰۷ هجری می‌باشد.

فرمان دیگری که در باب عفو مالیات و عواید دیوانیست به حکم سلیمان میرزا حکمران بدخشان در ماه صفرالمظفر سال ۹۲۷ هجری صادر گردیده و به خط نستعلیق نگاشته شده است. باید علاوه نمود که سلطان سلیمان بهادر بن سلطان اویس گورکان همان شهزاده مغولی می‌باشد که بعد از پدرش عنان امارت بدخشان به وی محول بوده و همایون وی را به نظر محبت می‌نگریست، و گفته می‌شود که در نبردهای که میان همایون و میرزا کامران بر سر سلطنت واقع گردید، میرزا سلیمان به طرفداری همایون خدمات مهمی را انجام داده است. باید گفت که درین فرمان نیز ناصر خسرو قبادیانی به سیادت منسوب گردیده و القاب

^۱ - اسم سال است به زبان ترکی به معنی سال گوسفند.

سلطان العارفين و برهان المدققين سيد ناصر خسرو به وي نگاهشته شده است.

فرمان ديگري كه به سال ۱۵۲۹ هجري ارتباط مي گيرد فرمان نذر محمد خان والي بلخ است كه اين نيز در باب عفو ماليات و عوايد ديواني از اراضي موقوفه آرامگاه ناصر خسرو مي باشد. در اين فرمان منتهيا چيزي كه به اسم ناصر خسرو اضافه گرديده است كلمه شاه است و نيز القاب او را به نام سيدالمجاهدين، مهر سپهر ولايت و اختر آسمان ولايت ذكر نموده است.

آخرين سند تاريخي در مورد تشييت نمودن آرامگاه حكيم فرماني است به مهر نايب حفيظ الله خان كه به حكم اعلي حضرت امير شير علي خان پادشاه افغانستان ماليات ديواني را از زمينهاي موقوفه ناصر خسرو معاف نموده است، و در اين فرمان تاريخي چنين آمده است:

”غرض از تحرير و باعث از تسطير، آن كه جمهور و عموم مترطنين با جميع رعايا و براي و عملداران و صاحبكاران اطلاع يافته، بدانند كه جماعه شيخان مزار فيض آثار حضرت سيد شاه ناصر خسرو از قديم الايام تا بدين هنگام در پايه آستان متبرك شان متولي بوده و مي باشند، بنا بر آن لطف بندگان اشرف اقدس همايون اعلي امير گردون سرير امير شير علي خان بهادر را شامل حال و كفيل احوال مشاراليهم شتافته به دستور قديمه پادشاهان سلف از جميع عملات و اخراجات و ماليات و حوالجات و تكاليف مرفوع القلم و خارج الجمع گردانيدم و بايد كه هيچ كدام از حاكمان و ضابطان به مجاوران دخل و تعلق نداشته و اگذار باشند كه

مجاران مزار متبرکه آرام و آسوده بوده به دعاگویی از دیاد عمر و دولت
بندگان ذیشان ثریا مکان اشرف اقدس امجد والا شاغل و مشغول باشند.

از وثایق و اسناد و فرامین تاریخی فوق الذکر به این نتیجه می‌رسیم که
شادروان استاد خلیلی سعی و کوشش بلیغی را به خرج داده تا توسط
همین فرامین و وثایق و اسناد تاریخی موقعیت آرامگاه ناصر خسرو را در
یامگان بدخشان ثابت بسازد و شک و تردید شکاکان را مرفوع نماید.

منابع و مأخذ

۱- دیوان ناصر خسرو با مقدمه سید حسن تقی‌زاده، تهران، ۱۳۰۵
خورشیدی.

۲- کلیات اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی، به کوشش عبدالحی خراسانی،
چاپ ۱۳۷۸ خورشیدی، تهران.

۳- مجله یغما، شماره ۸، آبان‌ماه ۱۳۴۶ خورشیدی، تهران.

۴- مجله یغما، شماره ۹، آذرماه ۱۳۴۶ خورشیدی، تهران.
